

گمه طیبه

میرزا حسین طبری نوری



برنام اوه كه هرچه داريم از اوست

كلمه طيبه

ميرزا حسين طبيرسي نوري

افشاريه هفت اختر اندیشه

۴۸۰ صفحه

۲۲۰۰ تومان

چاپ اول: ۱۳۹۲

شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۸۲-۵-۲

هفت اختر اندیشه

تهران - حكيميه تهران پارس - حكيميه پارس - خيابان سازمان آب - خيابان رضوان - بلوك ۳ - واحد ۲۰

۰۹۳۷۵۷۵۱۸۱۹-۷۷۰۰۶۶۵۰

تيراج: ۵۵۵ عدد

نوري، حسين بن محمدي، ۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق.

كلمه طيبه / حسين طبيرسي نوري (و) ۴۰

تهران: هفت اختر اندیشه، ۱۳۹۲.

ص: ۴۸۰

۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۸۲-۵-۲

فبا

كتاب حاضر در سالهاي مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

اسلام -- مسائل متفرقه

صنقه در اسلام

۱۳۹۲ ۸۵۸۸/ت BP۱۱

۲۹۷/۲

۲۹۷/۱۵۶

۳۳۹۸۳۰۹

سرشناسه

عنوان و نام پديدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهري

شماره

وضعيت فهرست نويسي

يادداشت

موضوع

موضوع

رده بندي كنكره

رده بندي ديويي

رده بندي ديويي

شماره كتابشناسي ملي

مقدمه

سپاس بی اندازه و مقیاس، خداوندی را ستااست، که گوهر گرانبه‌ای دانش را، در گنجینه سریره بنی آدم به ودیعت گذاشت و مشتی خاک تیره را به خزانه‌داری حضرت مقدس خود برگزید و بر آن گوهر گماشت، هیچ نعمتی به کسی نبخشود که بر نعمت دانش فزونش نمود و تاج عزتی بر تارکی ننهاد که برای آن به پیشانی مسکنت به خاک نیفتاد و درود بی حد و نهایت به روان پاک خاتم رسالت و سرچشمه علوم و سراچه هدایت و برآل اظهارش باد، که زبینه هر ثناء و ستایش و فروزنده دلها به نور حکمت و دانشند.

و بعد چنین گوید: بنده مذنب حسین بن محمد تقی نوری طبرسی حشر هماالله مع موالیهما، که پوشیده نماند بر اخوان مؤمنین و برادران مسلمین که این حقیر بی بضاعت و سرگردان وادی جهالت، پس از نظر در احوال اهل علم و طلاب علوم دین و خرابی امور معاش و زندگانی مشغولین و گسستن رشته اشتغال به جهت التجاء طایفه‌ای از ایشان از روی ضرورت و نیاز به اهل غنی و ثروت از اعیان و تجار و ارباب ملک و عقار، چه مرافقت این فریق یا مصاحبت توفیق چون آتش و آب و کتان و ماهتاب هرگز باهم جمع نشود. و قدرت حرکت از وطن و مسقط الراس خود به سوی مرکز علم و مجمع علما و استادان فن ندارند، هر کسب مقدار قوت خود و اهل عیالشان، خود به خواندن نماز و روزه و به جا آوردن حج نیابتی از برای غیر و اشتغال دارند. جماعتی در دفع ظلم و ناملایمات که از اهل عدوان بر ایشان یا بر متعلقان ایشان می‌رسد و تحمل آن در شرع پسندیده و روا نیست و تعظیم و توقیر علماء از میان مردم برداشته شده و بی وقع بودن در انظار به حدی که پاره‌ای از مجالست و مکالمه؛ بلکه از نظر و مشاهده ایشان تنفر و گریزان بود و نبودشان مساوی و یکسان است. و علوم حقه و سنن احمدیه و سیره علویه و آثار ائمه هدی به انهدام و پراکندگی نزدیک شده است. چه قوام و استحکام آنها به قوام حاملین و حافظین آنها است و فرو گرفتن شبهات ملحدین و زخارف زنادقه و دهریین، ضعفا و بطالین را و رغبت کردن ایشان در رفع شبهات به راسخین در علوم دین و ظاهر نکردن علماء حقایق علوم را و غیر اینها از خرابی و مفاسد که از آثار پریشانی و اختلال امور اهل دین است. چنان دیدم که با نداشتن استعداد مالی و بدنی و تعذر رفع

هم و پریشانی از این فرقه ناجیه و عصابه مهتدیه اگر، چنانچه مشرب بی بضاعتی و پراکندگی اسباب تحصیل اهل علم و بیان شأن و مقام و جوب تعظیم و احترام علوم خیرالانام و تکالیف حالیه و مالیه و بدنیه خلایق را، نسبت به ایشان به نحو اختصار داده می‌شد، با اشاره به مقطوعات کتاب و سنت و شواهد وجدان و درایت و اجتناب از کلام جزاف و اخبار ضعفا شاید به مطالعه و تأمل در آن طالبین احسان و تابعین امناء رحمن را رغبت و میلی پیدا شده و هر کس به قدر قوه و استعداد در مقام اصلاح این فساد و برداشتن توشه از برای معاد برآیند، این سبب حقیر را در سلک یاری کنندگان شرع قدیم و راهنمایان صراط مستقیم، در آورده در روز پسین در صفوف اصحاب یمین جای دهند. از ناظرین انتظار دارم که در مطالعه این اوراق به اتصاف نظر مضایقه نکنند شاید از رسیدن به فوائد آن ناصربین دین‌اش شمارند و نام این کتاب را کلمه طیبه گذاشتیم و در بستان شریعت احمدی نخل امید کاشتم و آن مشتمل است بر مقدمه و نوزده باب، در مقدمه فهرست مطالب ابواب، به نحو اجمال ذکر می‌شود.

باب اول: در ذکر عنایت اهل هر مذهبی در ترویج دین و اعانت مروجین ملت و آئین خود و حراست آن به قدر امکان به مال و بدن و زبانی است.

باب دوم: در ذکر خرابی ملت بیضاء و ضعف شریعت غراء نزدیک شدن جمله آنان به انهدام و رفتن هم اعانت حفظ اسلام، از میان کافه انام و پریشانی حال طالبین علوم سیمما در مشاهده شریفه.

باب سوم: در ذکر بلاها و مصائب که از آثار مقاصد مذکوره است و خلق به آنها معذب و مبتلایند.

باب چهارم: در بیان لزوم احترام علماء و مؤمنین و شرح حقیقت معنی تعظیم و کیفیت آن بالنسبه به اهل علم و لزوم معاشرت و استیناس با ایشان و فوائد آن و در آن چهار فصل است.

اول در لزوم احترام و توقیر و ذم توهین و تحقیر دوم در بیان حقیقت معنی تعظیم و اقسام آن سوم در تفصیل تعظیم علماء و شرح سلوک با ایشان چهارم در بیان اهتمام در معاشرت اهل علم و تحرص بر مراوده با ایشان.

باب پنجم: در ذکر سایر صفات و جهات موجوده در اهل علم خصوصاً ساکنین ایشان در عتبات عالیات که ملاحظه هر یک خود کافی در لزوم احترام و اعانت است و آن هشت جبر است.

اول: این که این طایفه از مجاهدین اند و بیان علت فضل جهاد نفس که جهاد اکبر است بر دادن جان که جهاد اصغر است دوم: آنکه این گروه زوار ائمه دینند سوم: آنکه این فرقه از مابطنین اند چهارم: آنکه این قوم مجاورینند و ذکر پاره از الطاف خاصه به مجاورین که سبب زیادی یقین است پنجم: آنکه این زمره آباد کنندگان خانه‌های خدایند ششم: آنکه این جماعت از مهاجرین اند: هفتم: آنکه این عصابه از فقراء ممدوحین محسوبند هشتم: آنکه این دسته در سلسله غربا در شمارند.

باب ششم: در تدبیر صلاح امور این طایفه به نحو اجمال و بیان تکلیف هر کس در هر جا بالنسبه و ذکر موانع اعانت این طایفه و رفع آن.

باب هفتم: در مدح صدقه و اتفاق به بیانی کلی و آنچه از آیه شریفه خدمن اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیه بها و صل علیهم ان صلواتک سکن لهم) توان استنباط کرد و در آن سه فصل است. اول در فائده تطهیر دوم در فائده

ترکیه است که ذکر اجمالی از کیفیت ترکیه پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سوم در فائده سکون و اطمینان که ثمر دعای پیغمبر است برای صدقه دهنده باب هشتم: در شروط و آداب صدقه و انفاق، خداوند آن را به زرع که بیرون می آید تشبیه می کند مطابق ۱۱ اخبار اهل بیت (علیهم السلام) و آن پانزده چیز است.

باب نهم: در اقسام صدقه به ملاحظه غرض که برای چه باید داد و به چه کسی باید داد و در آن سه مقام است اول: در اقسام آن به ملاحظه اغراض و آن سی و یک چیز است و در آخر آن ذکر شده است پاره حکایات و کرامات که از دادن صدقه دیده می شد دوم: در اقسام آن به ملاحظه آنچه می شود داد و چه خیری به بندگان می رسد. آن پنج چیز است اول حالات قلبیه دوم: اعانت به جوارح و اعضاء سوم: خیرات زبان چهارم: مال پنجم: ترک آنچه را که ممکن است از انجام دادن آن و عفو از جرائم و عصیان سوم: در اقسام آن به ملاحظه گیرنده از خود و والدین و علماء و مساکین و همسایه و عاجزین و حیوانات و نباتات و جمادات و در آنجا ذکر شده و بعضی مطالب شریفه و حکایات لطیفه و سر بزرگی حق همسایه و ادکار حیوانات.

باب دهم: در آنکه خیر انفاق و صدقه گاهی خاص و گاهی عام و اشاره به نفع آن باب یازدهم: در حکم دادن صدقه به دست خود و به توسط دیگران. باب دوازدهم: در این که صدقه را باید برای حفظ وجود مبارک امام عصر روحنا و روح العالمین فدا داد و بیاید آن حضرت را بر خود و هر عزیز دیگری در صدقه دادن مقدم داشت.

باب سیزدهم: در شمه ای از حاصل فضائل صدقه به کلامی شیرین و مختصر.

باب چهاردهم: در فضل اعانت سلسله سادات عظیم الشان و ذکر اخبار و حکایات وارده در دیدن خیرها در اعانت به ایشان.

باب پانزدهم: در مدح و ترغیب بر شرکت در صدقه و انفاقات به اهل خیر و سعادت و در آخر آن به مناسبتی که حکایت بنای مسجد جمکران که در یک فرسخی قم است به امر امام عجل الله تعالی فرجه و رسیدن حسن مثله خدمت آن جناب ذکر شده.

باب شانزدهم: در شمه ای از حال آنهایی که آنچه دارند و توانند چیزی را راه خداوند نمی دهند و از خدای تعالی مال تازه می خواهند که از آن صدقه کنند و عقوبت این تمنی و معاهده چنانچه خداوند در قرآن مجید ذکر فرموده بیان می شود.

باب هفدهم: در شرح حال فقراء و مساکین و بیان سؤال از خالق و حکم سؤال از مخلوق و اقسام آن از واجب و مستحب و حرام و مباح و مکروه و مفسدان که سبب کراهت است و آن بیست و سه مفسده بزرگ است.

باب هیجدهم: در شمه ای از تکلیف مسئولین و آداب ایشان با سائل که آن چهار چیز است و بیان محل و جوب و استحباب و حرام و مکروه و مباح از اجابت سؤال.

باب نوزدهم: در ذکر بعضی از ازمنه و امکانه که انفاق کردن در آنها امتیازی دارد.